

موضوع: مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک ۳

آیت الله رشاد در جلسه سوم درس خارج فقه مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک مطرح کرد: عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر / مهندسی ژنتیک با توحید در خالقیت منافات ندارد.

ضرورت تبیین عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر در جلسه قبل، زیست فناوری را به پنج بخش تقسیم کردیم [1]، آن بخش بندی تقسیمی بود که اصحاب دانش مهندسی ژنتیک و براساس «زمینه‌های کاربرست زیست فناوری» ارائه می‌کنند، و البته کاملا منطقی و فنی است؛ اما در آن جلسه وعده کردیم در جلسه بعد ما نیز تقسیمی بر اساس «عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر» ارائه کنیم. در این جلسه (امروز) قصد داریم تقسیم پیشنهادی خویش را عرضه کنیم.

از آنجا که این تقسیم علاوه بر جامعیت، از جنبه کاربردی و عینی بیش‌تری برخوردار است، از این رو تناسب بیش‌تری با مباحث فقه زیست فناوری دارد. اهمیت و ارزش تقسیم پیشنهادی ما (تقسیم زیست فناوری بر اساس عرصه‌ها و ابعاد تاثیرات بر معرفت و معیشت بشر معاصر) که به جلسه چهارم و شاید جلسه پنجم نیز کشیده شود، از این نکته نهفته است که: چون فقه عهده‌دار بیان احکام این عرصه هست، سیر و ساختار این عرصه‌ها می‌تواند چارچوب و الگوی مناسبی برای صورت بندی ابواب فقه زیست فناوری انگاشته شود. علاوه بر این که: تبیین این عرصه‌ها، از سویی بمتابسه تشریح دامنه و ابعاد زیست فناوری قلمداد شده، مکمل موضوع شناسی فقه زیست فناوری بشمار خواهد آمد، از دیگر سو اهمیت زیست فناوری و فقه مربوط بدان را هرچه افزون‌تر نشان خواهد داد. زیست فناوری بطرز ژرف و شگرفی، ابعاد گوناگون حیات معرفت و معیشتی بشر معاصر را تحت تاثیر قرار داده، و مسائل و مباحث بسیاری را پیش روی علوم و معارف دینی نهاده است که حسب مورد باید از پایگاه دانش های مختلف از جمله فلسفه و کلام، اخلاق و فقه (و بیش از همه فقه) به

پاسخ آنها پرداخته شود. در این جلسه سعی می‌کنیم ذیل هر یک از عرصه‌ها و ابعاد، به نمونه‌هایی از این مسائل و مباحث اشاره کنیم.

ابعاد و عرصه‌های وسیع مهندسی ژنتیک

زیست‌فناوری، اکنون حداقل با پانزده عرصه مهم حیات انسان درگیر است و در اکثر این عرصه‌ها تواما منشا ظهور خطرات و مخاطرات و نیز دست‌آوردهای شگرف و شگفتی شده است، اول فهرست این عرصه‌ها را عرض می‌کنیم سپس به توضیح اجمالی هر کدام از آنها می‌پردازیم؛ این عرصه‌ها و ابعاد آن‌سان که در متن نوشته آورده‌ایم عبارتند از:

۱- المجالات العلمیة (عرصه‌های علم و دانش)، ۲- المجالات المعرفیة (عرصه‌های معرفتی و شناختی)، ۳- المجالات العقديّة و الكلامیة (عرصه‌های عقیدتی و الاهیاتی)، ۴- المجالات الأخلاقیة (عرصه‌های اخلاق و ارزشهای انسانی)، ۵- المجالات القضائیة (عرصه‌های دادرسی)، ۶- المجالات الإجتماعیة (عرصه‌های اجتماعی)، ۷- المجالات الصحيّة/الطبیّة (عرصه‌های بهداشتی و درمانی)، ۸- المجالات الصيدلانیة (الصيدلة الحيویة) (داروسازی و تولید مواد بهداشتی و زیبایی)، ۹- المجالات الزراعیة (عرصه‌های کشاورزی به معنی وسیع آن)، ۱۰- المجالات الغذائیة (عرصه‌های تولید مواد غذایی و مساله تراریخته‌ها)، ۱۱- المجالات البيئية (عرصه‌های محیط زیست)، ۱۲- المجالات الصناعیة (عرصه‌های گوناگون صنعت)، ۱۳- المجالات الإقتصاديّة (عرصه‌های گوناگون اقتصاد و تجارت)، ۱۴- المجالات الأمنيّة (عرصه‌های امنیتی)، ۱۵- المجالات العسكريّة (عرصه‌های تولید سلاح و جنگ بیولوژیک)، ۱۶- المجالات الفقهيّة (عرصه‌های گوناگون دانش فقه). چنان که ملاحظه می‌فرمایید: دامنه تاثیر زیست‌فناوری بسیاری از ساحات و سطوح حیات معرفتی و معیشتی بشر را فرامی‌گیرد. آیا همین فهرست برای اثبات اهمیت و وسعت، خطورت و ضرورت فقه زیست‌فناوری بسنده نیست؟

یک) تاثیرات کنونی زیست‌فناوری بر عرصه علم و دانش:

امروز بیولوژی و فناوری زیستی در حوزه علم و دانش علی‌الطلاق، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده است. زیست فناوری وارد عرصه‌ها و ساحات علمی مختلفی شده و داده‌های بیوتک در حال متحول ساختن عرصه‌های گوناگون علمی است، است. به طرزى که بعضی از فرایندها گسترش زیست فناوری به «انقلاب علمی بیولوژیک» تعبیر می‌کنند. در این بُعد از مسئله که زیست فناوری چه مقدار در توسعه و تعمیق علم بشر و اکتشافات علمی موثر افتد یک امر است و بسیار مساله پر اهمیتی است. و این جهت در احکام این فن و فروع فقهی معطوف به فرآیندهای زیست فناوری می‌تواند بسیار موثر باشد. لهذا باید با لحاظ اهمیت علمی مهندسی ژنتیک و به اعتبار نقش و سهمی که دست‌آوردهای مهم و خطرات احتمالی که این دانش در حیات انسان می‌تواند داشته باشد، نسبت به حکم این رفتار علمی (مهندسی ژنتیک) نظر داد. و احکام تکلیفیه و حقوق ناشی از آن و نیز احکام وضعیه‌ای که بر آن مترتب است، فروع مربوط را اجتهاد و بیان کرد.

دوم) زیست فناوری و عرصه معرفت‌شناسی و علوم شناختی:

دومین عرصه‌ای که زیست فناوری می‌تواند (البته حسب ادعا) بر آن تاثیرگذار باشد ساحت معرفت است. گفته شده: زیست فناوری در فرآیند تکون معرفت بشر، دخالت می‌کند. ادعا شده می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها و عناصر زیستی، روی عقاید انسان تاثیر گذاشت. البته اکنون در مقام بررسی صحت و سقم این ادعا، و این که در صورت تاگذاری، میزان تاثیر آن چیست نیستیم. این مطلبی علمی است که باید در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما ادعا شده می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها عقاید افراد را مدیریت کرد. با دست‌کاری عناصر زیستی فردی را مؤمن و دیگری را کافر و ملحد بار آورد. این بدان معناست که از رهگذر مهندسی ژنهای آدمیان می‌توان افکار و گرایشها و عقائد آنها را نیز مهندسی کرد. در این صورت صحت این ادعا، مهندسی ژنتیک در معرفت‌شناسی و توسعه علوم شناختی هم می‌تواند موثر باشد. حسب ادعا باورها و عقائد اشخاص تابعی از هندسه ژنتیکی آنهاست حوزه علوم شناختی درگیر باشد و می‌توان با مهندسی ژن‌ها روی ذهن و به تبع آن بر روی شناخت انسان تاثیر گذاشت. چنان که ادعا شده می‌توان از رهگذر مهندسی ژنتیک بر اخلاق بشر

تأثیر گذاشت این هم عرصه و بعدی دیگر از مهندسی ژنتیک ا که باید مورد بررسی قرار گیرد و احکام فقهی آن استخراج و اعلام شود، و در صورت صحت این ادعا این بخش از فقه زیست فناوری بطور مضاعف از ضرورت و اهمیت برخوردار خواهد شد..

سوم) زیست فناوری و عرصه الاهیات:

یکی دیگر از ابعاد بسیار پراهمیت و گسترده‌ای که باید به بحث درباره آن و نیز احکام ناشی از این وجه زیست فناوری پرداخت، رابطه زیست فناوری با عقائد دینی است؛ مهندسی ژنتیک مانند برخی علوم نوظهور دیگر که در بدو ظهور و براساس تصورات اولیه از رابطه و تأثیر و تأثر آن با الاهیاتپاره ای شبهات کلامی را تولید می‌کند. در بادی امر، افرادی با نگاههای سطحی، بعضی شبهات عقیدتی را مبتنی بر داده‌های آن دانش جدید مطرح می‌کنند؛ در اینجا هم همین اتفاق افتاده است. آیا مهندسی ژنتیک دخالت در خلقت است؟

گفته می‌شود: زیست فناوری در بعضی از موارد مانند، استنساخ، باصطلاح مشابه‌سازی که با مهندسی روی سلول‌های بنیادی یک موجود زنده موجود دیگر به وجود می‌آید، این خلق موجود دوم است، پس دانشمند بیولوژیست و زیست فناور خالق آن بشمار می‌آید یا دست کم به نحوی شرکت یک انسان در امر خلقتیا دخالت او در افعال الهی و تدابیر الهی در قلمرو حیات و هستی است. این با توحید مثلاً افعالی - خصوصاً توحید در خالقیت - سازگار نیست! مگر بنا نیست که فقط خداوند متعال خالق باشد. انسان را، حیوان را، نبات را بیافریند؟ اکنون که دانشمند انسان را استنساخ و مشابه سازی کرده، - العیاذ بالله - کار خدا را انجام می‌دهد.

آیا خلقت الاهی ناقص است؟

آیا با مهندسی ژنتیک و از رهگذر با جابه‌جایی و انتقال سلولها از یک انسان، حیوان، یا نبات، به انسان، حیوان، یا نبات دیگر اوصاف انسان، حیوان، یا نبات دوم را تغییر می‌دهیم، مثلاً ژن مربوط به اوصاف خوبی که در این موجود هست را پیدا می‌کنیم و آن را به موجود دیگر منتقل می‌کنیم. در نتیجه، آن صفت را در موجود دوم به وجود می‌آوریم. این آیا به این معنا نیست که درختان، گیاهان

یا حیواناتی که خدای متعال آفریده بوده ناقص یا ضعیف بوده‌اند؟ بشر دارد با زیست فناوری خلقت این‌ها را تکمیل می‌کند. خدای متعال فلان میوه - مثلاً موز- را که خلق کرده، صورت ارگانیک و طبیعی آن خیلی کوچک، نازیبا، بد مزه و احیاناً ناگوار است، اما ما با مهندسی ژنتیک این موز را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، تغییر می‌دهیم. اندازه، شکل، رنگ، طعم و خواصش را تغییر می‌دهیم. و جهات مثبت و صفات مثبت آن را افزایش می‌دهیم و جهات و صفات منفیش را از میان می‌بریم؛ شما یک موز به اصطلاح "تراریخته" را در کنار یک موز طبیعی و ارگانیک بگذارید، می‌بینید که از جهات کمی و کیفی، محصول تراریخته بسا کامل‌تر است. آیا این به این معنا نیست که خلقت الهی ناقص، ضعیف و پست بوده و با دستکاری و تصرف بشر کامل‌تر شد؟ بشر نمونه‌ی برتر از آنچه حضرت باری آفریده بوده پدید آورد؟ (العیاذ بالله)، این به معنای نقص خلقت نیست؟ به این معنا نیست که انسان به جای خدای باری تعالی آمد و خلقت را تکمیل کرد؟ اگر خالق متعال «قادر»، «حکیم»، «عادل»، «ذوالفضل» و «فیاض» است، چرا از همان اول موجودات، اعم از انسان، حیوان، درخت و گیاه را کامل و با اوصاف برتر خلق نفرمود؟ پس بنابراین مهندسی ژنتیک در واقع نشان می‌دهد که خلق ناقص است و با ورود بشر به عرصه خلقت، موجب کمال آفرینش و اکمال خلائق می‌شود ﴿سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ ۙ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ [2]

پاسخ به اشکالات کلامی ناشی از پیشرفت مهندسی ژنتیک

این دو نمونه از اشکال کلامی ناشی از اعمال فرایند زیست‌فناوری است که مطرح می‌شود، و برخی اصحاب ادیان بر اساس همین توهمات و تفهومات سطحی و عامیانه گفته‌اند: مهندسی ژنتیک شرعاً ممنوع است! ولی با اندکی تأمل درمی‌یابیم که این سخنان سخت و سست و سخیف است، این توهمات ناشی از آن است که مطرح کنندگان چنین شبهاتی، ۱. «حقیقت خلقت» (ابداع و ایجاد) را درک نکرده‌اند، میان «ایجاد» و «اعداد» تفاوت نمی‌نهند، ۲. فهم درستی از نقش خالق و باری، مقدر و مدبر عالم ندارند، ۳. «نظام علیّ معلولی» و «سنت‌های حاکم بر حیات و هستی» را نمی‌شناسند، ۴. بین «علت» و «معدّ» خلط می‌کنند، ۵. به ضرورت دوام فیض آگاه نیستند، ۶. از

«خصائص نشئه مادی» بی اطلاعند، ۷. «خصائل موجودات مادی» اطلاع ندارند، ۸. به «تداوم تکاملی» (صیوررت) خلقت عنایت ندارند، ۹. از «فرایند لایقفی خلقت» (حرکت جوهری موجودات) آگاهی ندارند، و ۱۰. به «نقش اسباب» در این فرایند تفتن ندارند

هرچند این مطالب مباحث کلامی است، اما بناچار مختصراً به آنها می‌پردازیم، زیرا همین شبهات و توهمات گاه پیش‌فرضهای نظرات و فتاوی‌ ناصواب در زمینه زیست‌فناوری قرار می‌گیرند. مهندسی ژنتیک با توحید در خالقیت منافات ندارد.

اولاً: خلق به معنی «ایجاد از عدم» است، و خداوند «فاطر» است، یعنی آفرینش او بی‌پیشینه است، خلقت را از کسی اخذ و اقتباس نکرده است: به تعبیر قرآن ﴿فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [3] است؛ پس غیر از «تصرف و تغییر در اشیاء موجود» است. آنچه در فرایند زیست‌فناوری در خصوص تکثیر موجودات زنده (که بالاترین حد زیست‌فناوری است) رخ می‌دهد «استنساخ» و نسخه‌برداری یا مشابه‌سازی است و تصرف و تغییر در موجودات خلق شده است.

و ثانیاً: «اعداد» یعنی فراهم کردن اسباب و زمینه‌سازی برای خلقت، و این غیر از ایفای «نقش علی» است. بر فرض آنکه فعل و انفعالات واقع شده در فرایند زیست‌فناوری را خلقت بیان‌گاریم، دانشمند زیست‌شناس با آگاهی از قوانین حیات که خداوند مناجعل فرموده است، تنها نقش اعدادی و تمهیدی ایفا می‌کند و نه بیش‌تر. زیست‌شناس زمینه تحقق را بر اساس قوانین حاکم فراهم می‌آورد.

و ثالثاً: بر هستی و حیات «نظام علی - معلولی» حاکم است که خداوند این نظام را پدیدآورده، علیت را او وضع فرموده، و خاصیت علیت را حق تعالی به آنچه علت می‌نامیمش بخشیده، و خصوصیت معلولی را او به آنچه معلول می‌نامیمش اعطا فرموده است. این که هرچیزی از هرچیزی پدید نمی‌آید، و اینکه مثلاً گندم از گندم و جو از جو پدید می‌آید اثر مشیت تکوینیه اوست.

و رابعاً: خداوند منان پیوسته در حال افاضه هستی و حیات است: ﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ [4] و حق تعالی [چنان که در برخی متکلمین مسیحی پنداشته‌اند] ساعت‌ساز بازنشسته نیست. او علی

الدوام بر اساس سنت‌هایی که جعل کرده و بر جهان جاری ساخته است با اسباب (که انسان نیز در زمزه آن است) در کار تدبیر حیات و هستی است. دانشمند زیست‌شناس ابزار خدا در اعمال قوانین حاکم بر هستی و حیات است، نه خالق هستی و حیات.

به گمان این افراد سطحی‌نگر: گویی خدای متعال همه عالم را، ساخته و پرداخته و به فعلیت نه‌ای رسانده و اسباب خلق و امر را نیز به کناره هستی آویخته، و خودش هم گوشه‌ای نشسته است. در حالی که چنین نیست.

و خامساً: اینان می‌پندارند عالم ماده و نشئه مادی به فعلیت تامه رسیده است، در حالی که نشئه مادی پیوسته در کار فرگشتن است، عالم همواره در حال تکامل است؛ موجود ممکن و مادی همواره در حال شدن است، هرگز به کمال نهایی نمی‌رسد؛ کمال موجود ممکن و مادی نسبی است، و الا ممکن و مادی نخواهد بود (واجب و مجرد خواهد شد) دلالت عمده نظریه «حرکت جوهری ملاصدرا» همین است.

انسان در حقیقت ابزار و اسباب خدای متعال است برای ایجاد زمینه و اعداد تحقق خلقت و تکامل خلاقیت آیات مختلفی از کتاب الهی پاسخ این شبهات داده شده است.

فعل زیست‌شناس، طفیلی فعل الهی است

قرآن می‌فرماید: هم خودتان، آفریده ما هستید؛ هم فعلتان آفریده ما است. در سوره صفات می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ [5] خود شما را ما آفریدیم، عمل شما را هم ما آفریدیم. یعنی کاری که شما می‌کنید ما می‌کنیم. در نتیجه بشر خالق نیست و اگر فرایند تکاملی حیات و فرگشتی زیست، با نقش آفرینی بشر طی می‌شود این به معنای این نیست که بشر خلقت و خلاقیت را تکامل می‌بخشد. بلکه او ابزاری در اختیار خدای متعال برای تحقق خلقت و تداوم خلقت است؛ خداوند سبحان خطاب به پیامبر اعظم (ص) و مؤمنین فرموده است: ﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [6] این شما نبودید که آنها را کشتید بلکه خداوند آنان را کشت! و [ای پیامبر] این تو نبودی که [خاک و سنگ

به صورت آنها] انداختی بلکه خدا انداخت! و خدا می خواست به این وسیله امتحان خوبی از مؤمنان بگیرد. خداوند شنوا و دانا است.

پاسخ شبهات زیست فناورانه در احادیث

این شبهات در روایات ما نیز مورد توجه بوده و پاسخ آنها در احادیث اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) مطرح شده و اشکالات پاسخ یافته است. در کلمات حضرات معصومین علیهم السلام، قطعات و فقرات بسیار دقیق و ارزشمندی داریم که در مقام پاسخگویی به چنین شبهاتی می توانیم به آنها تمسک کنیم. مثلاً حدیثی که -البته متعدد است- از حضرت صادق سلام الله علیه نقل شده است «**أَيُّ اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ**» [خدا می متعال ابا دارد، (بنا ندارد چنین عمل کند) از اینکه اشیا و امور را جز با اسباب انجام دهد. بنا ندارد، نه اینکه نمی تواند. بنا ندارد. سنت باری تعالی این است که اشیا و امور را به وسیله اسباب مربوط به خود آنها جریان بدهد و تدبیر کند]. **أَبِي اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ، فَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا، وَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا، وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا، عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَ جَهَلَهُ مَنْ جَهَلَهُ، وَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ نَحْنُ** [7] «**أَبِي اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ**». البته «یجری» بفتح یاء (لازم) هم تلفظ کنیم اشکال ندارد. یعنی خدا نمی خواهد اشیا جز به اسباب جریان پیدا کند. معمولاً در السنه "یجری" خوانده می شود. ولی یجری أدق است. "اجمال توضیح این روایت -که نمی خواهیم توقف کنیم- این است که خدای متعال سنت، دأب و رویه اش این است که همه امور را با اسباب آن انجام دهد. در حقیقت خدای تبارک و تعالی نظام علیّ و معلولی را در عالم جعل و جریان داده است. این دأب الهی است. سنت الهی است و ابا دارد از اینکه خود او از این روند و داب خارج شود. خداوند تبارک و تعالی همواره بر اساس همین سنن که مهمترین آنها، نظام علیّ و معلولی حاکم بر هستی است عمل می کند. البته هر سببی توضیح دارد و هر توضیحی دانشی دارد و هر دانشی باب ناطق هم دارد. که اگر شناختیم، شناختیم. اگر شناختیم، شناختیم و گمراه شدیم. باب ناطق علومی که شرح این اسباب می کند کیست؟ فرموده اند رسول خدا و ما. یعنی ائمه طاهرین سلام الله علیهم هستیم.

خداوند همه شئون عالم را با اسباب آن تمشیت می کند

کما اینکه در روایت مشابه دیگری قریب به همین مضمون آمده است: «و ایضاً فی حدیث آخر : «أَبَى اللهُ أَنْ يُجْرَى الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ، ... وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَاباً نَاطِقاً، مَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ أَنْكَرَ اللَّهَ، ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ نَحْنُ.» [8]» در روایت دوم نکته خاصی وجود دارد. آن این است که، هر علمی باب ناطقی دارد که هر که این باب ناطق را بشناسد خدا را شناخته است. و هر آن که آن باب ناطق را انکار کند خدا را انکار کرده است. آن ابواب ناطق چه کسانی هستند؟ مثل روایت قبلی فرمودند: پیامبر و ما ائمه اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) هستیم. یعنی ما را که مظاهر اسماء الاهی هستیم شناسد حق متعال را شناخته و نخواهد توانست شناخت، چرا که ما مظهریم و نمادیم و او بود است، حتی رسول خدا و ائمه طفیلی و وسیله و واسطه اند.

به هر حال این روایت می گوید همه امور و شئون عالم در چارچوب شناختی ای به نام نظام علیّ حاکم بر حیات هستی اداره می شود و خدای متعال، داب او بر این مستقر است که براساس نظام علیّ و معلولی و اسباب و مسببات حتی در هستی تصرف می فرماید. در واقع مشیت تکوینی الهیه، در چارچوب نظام علیّ و معلولی که خود او جعل فرموده و جریان داده جریان پیدا می کند. در نتیجه هر فعل و انفعالی که در این عالم انجام می گیرد در چارچوب این نظام صورت می پذیرد. هر کس دیگری جز حق تعالی در این فعل و انفعالها دخالت می کند نقش ابزاری و اعدادی دارد. نقش علیّ ندارد و علت فقط خود حق تعالی است.

مهندسی ژنتیک و کشف اعجاز علمی قرآن

نکته دیگری را عرض می کنم. اصولاً به عکس آنچه تصور می شود مهندسی ژنتیک احیاناً ممکن است به عقاید آسیب بزند و گویی با فهم مهندسی ژنتیک، قواعد آن و اعمال این قواعد، دایره ی دین محدود می شود و در حوزه معرفت و عقاید جا برای دین تنگ می شود. چنین نیست. بلکه به عکس، با اکتشافاتی که در علوم مختلف از جمله در حوزه زیست فناوری و مهندسی وراثی صورت می پذیرد، پرده های بسیاری از اسرار خلقت و عظمت خلاق کنار می رود. عظمت نظام خلقتی و عظمت خالق

آن و قدرت، حکمت، عدل و فضل او آشکارتر می‌شود. ما با دستیابی به قضای او قوانین علمی به اسرار خلقت و عظمت خالق ان پی می‌بریم. عظمت خالق آن را بیشتر درک می‌کنیم. به قدرت، حکمت، عدل، فضل و مقام فیاضیت او بیشتر پی می‌بریم مثلاً فرض کنید در همین موضوع دی ان ای (DNA) به اصطلاح عربی: «التقنیات الشیفره الوراثیه» ریسست فناوری؛ تحول علمی و انقلاب معرفتی به نفع دین

کشف رمز زیستی و حیاتی اختصاصیهر موجود زنده، ضمن اینکه بسترساز یک انقلاب علمی بزرگ در قلمرو علم و دانش است، بسترساز یک انقلاب معرفتی در حوزه دین نیز هست. یعنی مبانی عقیدتی دین را تحکیم می‌بخشد. چرا که با فهم این واقعیت به عظمت و قدرت و حکمت الهی پی می‌بریم. چرا که می‌بینیم خدای متعال آفرینش را چنان بنا کرده که هر موجودی، بلکه هر فردی از افراد، خصوصیتی دارد که در دیگری نیست. در گذشته مسئله‌ی به اصطلاح اثر انگشت کشف شد. که اثر انگشت هر فردی مختص او است. در تاریخ و در جهان هرگز اثر انگشتی قابل تکرار شدن نیست. قرآن کریم هم این را بیان فرموده بود که ما قادریم انگشت فرد را بعد خلقت بازسازی کنیم. شما می‌گویید اگر مردیم جسم ما متلاشی شد تبدیل به خاک شد چگونه زنده می‌شویم؟ خدای متعال فرمود که: ﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ﴾ [9] بلکه ما قادریم جزئیات بنان و انگشتان هر انسانی را (که اختصاصی اوست و میان انسانها مشابه ندارد) مثل سابق بازسازی کنیم. همان خصوصیتی که در انگشت آن فرد بود باز دوباره به وجود بیاید خب این را از معجزات قرآن تلقی می‌کردیم و چنین هم هست، که تقریباً یک مورد بود که کشف شده بود. امروز مشخص شده است اصولاً اختصاصات هر فرد از هر نوع از حیوانات یا احیاناً گیاهان و نیز انسان، بسیار بسیار زیاد است. یکی از آنها همین جهتی است که در موضوع آزمایش‌هایی که به صورت دی ان ای انجام می‌شود. اگر در این حوزه مطالعه بیشتر، عمیق‌تر و ژرف‌تری انجام دهیم، پی به عظمت خالق می‌بریم. پی به عظمت خلقت می‌بریم. ایمان به حکمت و قدرت و عدل و فضل و فیض او پیدا می‌کنیم. ایمان ما تقویت می‌شود. بنابر این، این جور نیست که با مهندسی ژنتیک بگوییم احیاناً دین به مخاطره می‌افتد

یا تضعیف می‌شود. این شبهات پاسخ دارد. قرآن کریم وقتی از عظمت و دقت و حکمتی که در آفرینش بشر حاکم است سخن گفته می‌فرماید: «**فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**» خدای متعال برترین خالق‌ها است. به این معنی که خلق او برترین خلق‌ها است. اگر او برترین خالق است، پس مخلوق او برترین مخلوقات است. البته اینجا "ان" افعال التفضیل نیست. به معنای مبالغه است. معنی حقیقی خلقت و خالق حقیقی عالم از زبان قرآن

در هر حال در سوره واقعه از آیه ۵۷ تا ۷۳. در مجموع در این ده -پانزده آیه قرآن خلقت را معنی کرده و تصرفات انسانی و نقش و سهم او را در فرایند خلقت توضیح داده است. که دقیقاً و به طور کامل شبهه خالقیت غیرخدا و نقص خلقت و نقش آفرینی جز خدا در این فرآیند آفرینش که امروزه مطرح می‌شود رابه خوبی توضیح داده است. می‌فرماید «...»: **نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿۵۷﴾** **أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿۵۸﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿۵۹﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿۶۰﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۶۱﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۶۲﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿۶۳﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿۶۴﴾ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَّمْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿۶۵﴾ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿۶۶﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۶۷﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿۶۸﴾ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿۶۹﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ أُجَاجًا [تلخ/ناگوارا] فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿۷۰﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿۷۱﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿۷۲﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ [بیابانگردان] ﴿۷۳﴾ [10]»**

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ﴾ یعنی ما شما را آفریدیم. پس چرا این را تصدیق نمی‌کنید؟ بعد می‌فرماید: چگونه ما آفریننده‌ایم، خلقت چرا از آن ماست. آن زمانی که این آیات نازل شده بحث از مهندسی ژنتیک که در میان نبوده **﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾** آیا نطفه‌ای که از شما خارج می‌شود را دیده‌اید؟ آیا شما دارید این نطفه را خلق می‌کنید؟ هرگز، شما فقط اسباب هستید، ابزار هستید مجرا هستید: **﴿أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾** ما آفریده‌ایم یا شما خلق کردید؟ شما تنها ابزار، وسیله و مجرای فعل و انفعالاتی هستید که اتفاق می‌افتد تا انسان جدیدی خلق می‌شود. **نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ**

الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ مَرگ را ما خلق کردیم و این یک امر بی سابقه است. بی پیشینه است. ما از کسی اقتباس نکرده ایم. شما انسان‌ها باید از ما اقتباس کنید ﴿عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ ما می‌توانیم کسانی را از میان ببریم با مرگ منتقل کنیم به عالم دیگر به جای این‌ها انسان‌های دیگر و احياناً موجودات دیگری را به وجود بیاوریم. ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾ وقتی این آفرینش ابتدایی، آفرینش به اصطلاح اول که آفرینش در این عالم است را ملاحظه می‌کنید، چرا متذکر و متنبه نمی‌شوید که همین آفرینش را می‌توانیم در این عالم تکرار کنیم.

زراعت در حقیقت فعل خداوند و زارع حقیقی اوست

باز در ادامه مثال دوم: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرَثُونَ﴾ آنچه شما کشت می‌کنید را دقت کرده‌اید؟ آیا شما زراعت می‌کنید یا ما زارع هستیم؟ شما ابزار هستید شما در واقع نقش خویش و بیل را ایفا می‌کنید. ﴿أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ این ما هستیم که زارع هستیم. زراعت را ما انجام می‌دهیم. زارع حقیقی خدای متعال است. خدای متعال قوانینی را جعل فرموده، خواصی در مواد و فرآیندها قرار داده، این را خدای متعال انجام داده است. نظام علیّ و معلولی که در عالم حاکم فرموده است، خدای متعال کرده است. شما در بستر این نظام و در چارچوب این قواعد و با بهره‌برداری از این مواد دارید به مثابه ابزار عمل می‌کنید تا این قواعد الهی محقق شده، مشیت تکوینیه الهیه در خارج تحقق پیدا کند. نه اینکه تصور کنید شما زراعت می‌کنید. شما گیاه می‌رویانید. خیر! ما می‌رویانیم. اما شما متوجه شدید که می‌شود در یک فرایندی فعل و انفعالاتی انجام داد که گیاه روئیده شود.

زیست فناوری؛ کشف و کاربرد فرایندهای حیات

این مساله به اصطلاح آن است که بگوییم مثلاً زمانی بشر نمی‌دانسته هر گیاهی از حبه و هسته و دانه‌ی گیاه قبلی به وجود بیاید. فقط می‌دید در این دشت یک گیاه خشک می‌شود. همانجا یا در یک نقطه دیگری شبیه، آن گیاه می‌روید. بعد آرام آرام متوجه شد که این بر اثر این است که این هسته و دانه زیر خاک قرار می‌گیرد و در یک شرایطی واقع می‌شود که تحولاتی در او به وجود می‌آید که سبز می‌شود. بعد متوجه این شد که من می‌توانم این دانه و این هسته را از اینجا مثلاً برداشت کنم

ببرم جای دیگری قرار بدهم و همین اتفاق آنجا بیفتد. مثلاً دانه را جا به جا کرد. حبه را جابه جا کرد. هسته درخت را جابه جا کرد. بُرد یک جای دیگری آن را کاشت و درخت دیگری به وجود آمد. او درخت را خلق کرد یا اینکه ، او به مثابه ابزار و اسباب عمل کرد تا اراده تکوینیه و مشیت تکوینیه الهی تحقق پیدا کند؟. در خلق درخت، این، کاره ای نبود جز اینکه نقش اعدادی داشت. نقش اسبابی داشت. احیاناً اگر مثلاً متوجه شد که درست است که یکی از راه‌های مثلاً رویش درخت آن است که هسته‌ای را در یک شرایط خاصی زیر خاک قرار دهیم و فعل و انفعالاتی اتفاق بیفتد که درخت جدیدی به وجود بیاید. حالا اگر متوجه شد که به اضافه‌ی این روش، روش دیگری هم در عالم وجود دارد. کشف کرد به روش دیگری هم درخت را تکثیر کرد. به جای اینکه مثلاً هسته آن را ببریم در یک جایی قرار دهیم و بعد قوانین را فهمیدیم که حرارت، نور و سایر شرایط لازم را باید فراهم کنیم تا این درخت سبز شود، رشد کند، تنومند شود و بار دهد، متوجه شدیم یک فرآیند دیگری در این خلقت وجود دارد و آن این است که می‌توانیم قلمه‌ی آن را بزنیم و رفت این کار را کرد و از این روش و از این فرآیند استفاده کرد و دوباره درخت به وجود آمد، سبز شد و بار داد. آیا می‌شود گفت این خلق کرده است؟ کدام یک از این قوانین دست بشر است همه این قوانین، قوانین الهی است. ﴿أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ شما دارید کشت می‌کنید یا ما داریم کشت می‌کنیم؟ در حقیقت شما اسباب ما و ابزار ما هستید، زرع حقیقتاً کار ماست و در حقیقت زارع ماییم. . کار شما و اراده شما منشأ خلقت نیست. اراده ما منشأ خلقت است. و شما مطابق اراده ما و طبق قوانین ما عمل می‌کنید و زراعت صورت می‌بندد.

چرخه بارش تابع مشیت الاهی است

در آیه بعد آمده است: ﴿فَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ آبی را که می‌نوشید روی آن تأمل کرده اید؟ رأی و دری و درایت کرده اید؟ آیا "﴿أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ﴾ شما از ابرها آن را فرو می‌آورید؟ شما احیاناً پیش از آنکه آب از ابر فرو بچکد آن را جابه‌جا می‌کنید؟ از دریاها تبخیر می‌کنید؟ این فعال و انفعالات را انجام می‌دهید؟ این قانون را شما جعل کرده‌اید و شما جریان

می دهید؟ چنین نیست. شما آب را شیرین کرده اید؟ ﴿لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا﴾ ما اگر اراده می کردیم، اگر مشیت تکوینی ما تعلق می گرفت، به جای اینکه آب شیرین و گوارا باشد تلخ و ناگوارا می توانست باشد. ﴿فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ﴾ پس چرا سپاسگزار نیستید؟ یا شاهد دیگری را ذکر می کند. ﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾ آیا به آتشی را که بر می افروزید دقت کرده اید؟ ﴿أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ﴾ شما موادی که با آن آتش بر می افروزید را پدید می آورید یا ما پدید آورنده ایم؟ درخت و کنده و هیزم را شما ایجاد کرده اید یا ما به وجود آورده ایم؟ شما کجا بودید؟ ﴿نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ﴾ این ما هستیم که این فرآیند ها را مایه تذکر و تنبه و توجه و تفتن انسان قرار دادیم تا بشر به این ها فکر کند و به خالقیت الهی و عظمت خلقت پی ببرد. این مایه تنبه شود.

فعلاً ما تا اینجا سه عرصه و حوزه مهندسی ژنتیک را توضیح دادیم. . مایل نیستم این قسمت ها را طولانی بشود، اما از آنجا که این ها همه زمینه ها و ابعاد موضوعی فقه مهندسی ژنتیک هم به حساب می آید. ما باید این بحث ها را اجمالاً طرح کنیم. در این بخش اخیر که مربوط به مباحث مهندسی ژنتیک و الهیات و شبهات کلامی بود لازم دیدیم مقداری طولانی بحث کنیم بقیه عرصه ها را هم در جلسه آینده توضیح خواهیم داد؛

[1]الأول: التكنولوجيا الحيويّة الخضراء (Green Biotechnology) و الثاني: التكنولوجيا الحيويّة الحمراء (Red Biotechnology) و الثالث: التكنولوجيا الحيويّة الزرقاء (Blue Biotechnology) و الرابع: التكنولوجيا الحيويّة البيضاء (White Biotechnology) و الخامس: التكنولوجيا الحيويّة السوداء (Biotechnology black) زیست فناوری به چهار قسم تقسیم می شود ولی ما به اقتضای عنوان دروس و اهمیت خاص جنگ بیولوژیک، قسم پنجم را افزوده ایم.

[2] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۳.

[3] فاطر/سوره ٣٥، آيه ١.

[4] الرحمن/سوره ٥٥، آيه ٢٩.

[5] صافات/سوره ٣٧، آيه ٦٤.

[6] انفال/سوره ٨، آيه ١٧.

[7] بصائر الدرّجات، للصفّار القمي، محمد بن الحسن، ج ١، ص ٦.

[8] بصائر الدرّجات، للصفّار القمي، محمد بن الحسن، ج ١، ص ٥٠٥.

[9] قيامه/سوره ٧٥، آيه ٤.

[10] واقعه/سوره ٥٦، آيه ٥٧ تا ٧٣.